



علامه جعفری؛ آشنا با گذشته و پاسخگو به نیاز روز

مرحوم «محمدتقی جعفری» یکی از چهره های بین المللی اندیشه و فلسفه اسلامی و ایرانی است که به دلیل آشنایی با نگاه های غربی و تحلیل نگرش های شرقی و دینی، دیدگاه های نوینی را طی نیم سده ی گذشته به اهل معرفت عرضه کرد.

مرحوم «محمدتقی جعفری» یکی از چهره های بین المللی اندیشه و فلسفه اسلامی و ایرانی است که به دلیل آشنایی با نگاه های غربی، تحلیل نگرش های شرقی، دیدگاه های نوین، نیم سده ی گذشته به اهل معرفت عرضه کرد.

علامه محمدتقی جعفری به سال 1304 خورشیدی در شهر تبریز متولد شد. وی پس از گذراندن دوره عالی تحصیلات علوم اسلامی در شهرهای تبریز، تهران، قم و نجف اشرف از محضر آیات عظام «میرزا فتحاح شهیدی»، «محمدرضا تنکابنی»، «کاظم شیرازی»، «سیدعبدالهادی شیرازی»، «سیدابوالقاسم خویی» و «سیدمحسن حکیم» کسب فیض کرد.

کتاب های وی در زمینه های فقه، علوم سیاسی، روان شناسی، علوم تربیتی، معارف اسلامی، هنر اسلامی، مباحث فلسفی و کلامی، سرشار از آرا و نظریات ابتکاری و نوآورانه است.

از علامه جعفری آثار بسیاری در قالب کتاب، مقاله و سخنرانی منتشر شده است که می توان به «عرفان اسلامی»، «بررسی افکار هیوم و راسل»، «حقوق جهانی بشر و کاوش های فقهی»، «چهار شاعر (خیام، نظامی، سعدی و حافظ)»، «تحلیل شخصیت خیام»، مجموعه 15 جلدی «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»، «مولوی و جهان بینی ها»، «فلسفه و هدف زندگی»، «آفرینش و انسان»، «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب»، «حکمت اصول سیاسی اسلام»، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، «بررسی فقهی و حقوقی طرح ژنوم انسانی»، «علم و دین در حیات معقول»، «شناخت از دیدگاه علمی و قرآن»، مجموعه 27 جلدی «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه» و... اشاره کرد.

علامه جعفری به سبب دقت فراوان در ارایه ی مباحث، پیگیری توصیف ناپذیر در تجزیه و تحلیل مجهولات غربی و شرقی و نگاه پیشروانه در کشف مسائل پیچیده، از میانه های عمر به چهره ای بین المللی تبدیل شد؛ به گونه ای که دانشمندی از مغرب زمین و دانشگاه های بزرگ جهان به دیدار و گفت و گو با وی می پرداختند. بخشی از این گفت و گوها که به بیش از یکصد مورد می رسد، چاپ شده است.

آشنایی جعفری با اندیشه های غربی موجب شد هم زاویه ی دید او به مسائل کلاسیک دگرگون شود و هم به طرح یک سلسله مسائل تازه بپردازد. بحث های او درباره ی انسان شناسی، جبر و اختیار، حیات معقول، وجدان، فلسفه هنر و... گوشه ای از نوآوری های او در تفکر اسلامی است. برای نمونه تجزیه و تحلیل های او درباره ی هنر بسیار متفاوت از آن مطالبی است که در زمینه ی هنر اسلامی بر پایه عرفان «ابن عربی» گفته می شود.

***حیات معقول

بازشناسی اجزای ناپیوسته ی اندیشه علامه جعفری بدون شناخت دیدگاه وی درباره ی «حیات معقول» میسر نیست. در واقع، با طرح بحث حیات معقول، زوایای به نظر ناهمگون، متنوع و چندگانه اندیشه علامه به نوعی هماهنگی می یابد و هر یک از گزاره های اندیشه ی فلسفی وی در جای خود قرار می گیرد.

شاید بتوان گفت آنچه وی درباره ی حیات معقول مطرح کرده، مانند اندیشه «مدینه فاضله» و آرمان های مورد نظر فیلسوفان کلاسیک مسلمانی همچون «فارابی» است؛ با این تفاوت که جعفری سعی کرده است به آن جنبه عینی و عملی بیشتری ببخشد.

حیات معقول در نظام فکری علامه جعفری، کنکاشی در انسانیت، دین و فلسفه است که با تبیین های علمی و چندباره وی، از فرضیه عبور کرده و به جایگاه یک نظریه رسیده است. طی این نظریه، او می کوشد میان مرزهای انسان و جهان قرار گرفته و الگویی نوین برای یک نوع جهان نگری ریشه دار طراحی کند. به نظر می رسد از دید او جدی ترین و روشن ترین مساله در بطن

حیات، پیوند با هستی از یک سو و ارتباط با انسان از سوی دیگر است. در اصل، این نظریه می‌کوشد حیات را به عنوان شاخص هستی، در کنار عقل و فکر به عنوان شاخص انسان قرار دهد. در این اثر، نویسنده با نگاه حکمی به نقد تمدن پیشرفته و چگونگی برون رفت از تنگنای بشریت امروز پرداخته است.

جعفری در تعریف حیات معقول می‌آورد «حیات آگاهانه ای که نیروها و فعالیت های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفا در اختیار، در مسیر هدف های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف اعلای زندگی می‌نماید. این هدف اعلای شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است.» (1)

در واقع «حیات معقول» علامه جعفری در برابر «حیات طبیعی محض» قرار دارد. به باور وی، حیات طبیعی محض نوعی زندگی حیوانی است و افرادی که در آن ساکن اند، به تنازع بقا می‌پردازند. در حیات طبیعی محض، اشباع غرایز طبیعی اصالت دارد و حیات انسانی اسیر خواسته های طبیعی است و زوایای مثبت وجود آدمی به فراموشی سپرده شده و بسیاری از توانایی ها، ظرفیت ها و استعداد های او نادیده گرفته می‌شود یا به نابودی می‌گراید.

***فرهنگ پیشرو و پیرو

فرهنگ از آن دسته مفاهیمی است که درباره آن و کارکردهایش تعریف و تفسیرهای متفاوتی شده است. اندیشه ورزان نیز هر کدام از دریچه یی به امر فرهنگ نگریسته و آن را در نظر گرفته اند.

جعفری نگاهی دقیق به امر فرهنگی دارد و معتقد است نسبت عناصر فرهنگی باید بر پایه عقل سلیم و احساسات عالی انسان باشد تا کمال افراد را تامین کند و چنانچه در جامعه اموری رواج داشته باشد که خلاف این اصل باشد، ضد فرهنگ تلقی می‌شود. از این رو، وی در کتاب «فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو» در تعریف فرهنگ می‌نویسد «فرهنگ عبارت است از کیفیت و شیوه بایسته و شایسته برای پدیده ها و فعالیت های حیات مادی و معنوی انسان ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات تکاملی حیات معقول می‌باشد.» (2)

جعفری فرهنگ را به نوع «پیرو» و «پیشرو» تقسیم می‌کند. فرهنگ پیرو را آن شیوه ی زندگی می‌داند که پیرو (تابع) هیچ قانون و اصول معقولی نیست و بر پایه هوا و هوس قرار دارد و فرهنگ پیشرو را فرهنگی می‌داند که بر پایه اصول ثابت ی حیات تکاملی انسان است. وی باور دارد که این، فرهنگ پیشرو است که در راه ارزش های متعالی انسان قرار دارد و تمدن اصیل را برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

***تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی

بی شک علامه جعفری یکی از بزرگ ترین مولوی شناسان ایران و جهان است. وی در زمینه ی تحلیل آثار و اندیشه های مولانا چندین کتاب را نوشته که مهمترین آنها کتاب «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی» در 15 جلد است که در آن به سیر و پژوهش در افکار و آرای مولانا پرداخته و انگاره های عارفانه و شورگسترانه آن بزرگمرد تمدن ادب را با واقعیت های جهان امروز تطبیق داده است.

جعفری در این کتاب، دانش ها و بینش های مولانا را در چند و چون پیوندهای ژرف و تئوریک خود با نگاهی به مکتب ها و نحله هایی چون «اشراق افلاطونی»، «سیستم کانت»، «مکتب دکارت»، «فلسفه رئالیسم»، «دیالکتیک هگل» «اگزیستانسیالیسم» و... بررسی کرده است. از بارزترین ویژگی های این تفسیر، آشتی میان معارف اسلامی و انسانی و تأمل در مقوله های اساسی فلسفی مشترک میان شرق و غرب است که جعفری از آن به عنوان «فرهنگ مشترک بشری» نام می‌برد.

***عرفان اسلامی

عرفان و نگرش عرفانی بر پایه نوعی کشف و شهود است که امور را نه با استدلال بلکه با کشف می شناسد و بررسی می کند.

علامه جعفری از اندیشمندانی است که نسبت به عرفان به ویژه عرفان اسلامی دیدگاهی جالب توجه و ژرف دارد. از دید وی، عرفان راهی است که شخصیت انسان را شکوفا کرده و طعم ارتباط «من ملکوتی» با خدا را به انسان می چشاند.

تعریف او از عرفان تمایز نگاه او را از دیگران به خوبی آشکار می سازد. وی در کتاب «عرفان اسلامی» می نویسد «عرفان اسلامی عبارت است از گسترش و اشراف نورانی من انسانی بر جهان هستی، به جهت قرار گرفتن من در جاذبه کمال مطلق که به لقاء الله منتهی می گردد». (3)

البته جعفری باور دارد عرفان اسلامی نسبت به قدرت و سیاست بی تفاوت نیست. در واقع وی در پی آرایه و تبیین آن نوع عرفانی است که برای دنیای انسان ها نیز سودمند باشد. این نوع عرفان با دنیا و مردم همنشینی دارد و در پیوند با اقتصاد، مدیریت، سیاست و جهاد است، نه آنکه فقط ابعاد فردی و اخلاقی محض داشته باشد.

***تمدن و انواع آن

همواره یکی از اموری که ذهن اندیشمندان را به خود معطوف کرده پاسخ دادن به این پرسش ها است که «تمدن چیست؟ ارتباط تمدن ها با هم چگونه است؟ نسبت ما با تمدن ها چیست؟»

علامه جعفری از آن دسته اندیشمندانی است که بحث های مهمی درباره ی اصول فلسفی تمدن شناسی دارد. وی در کتاب «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه» تمدن را چنین تعریف می کند «تمدن عبارت است از برقراری آن نظم و هماهنگی در روابط انسان های یک جامعه که تصادم ها و تزاخم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قایم مقام آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن جامعه موجب بروز به فعلیت رسیدن استعداد های سازنده آن بوده باشد». (4)

جعفری تمدن را بر 2 نوع انسان محور و قدرت محور می داند. در دیدگاه انسان محور، هدف یک تمدن سازماندهی افراد و رشد استعداد آنها برای نیل به حیات معقول است اما در دیدگاه قدرت محور، هدف «به فعلیت رسیدن همه استعداد ها و استخدام همه اشکال قدرت، در پیشبرد هدف های حیات طبیعی معمولی» است. (5)

***انواع آزادی

جعفری در تبیین مفهوم آزادی، از سه واژه «رهایی»، «آزادی» و «اختیار» بهره برده و با جداسازی آنها از یکدیگر به تبیین این مفهوم در فلسفه ی سیاسی می پردازد.

«عبدالله نصری» نویسنده کتاب «رویاری با تجدد»، به انواع آزادی از دیدگاه علامه جعفری پرداخته و می نویسد «علامه جعفری 6 نوع آزادی را برمی شمارد:

1- آزادی عقیده: از نظر وی هر انسان دارای اعتقاد است و متعلق عقیده، حقایق مربوط به جهان هستی، انسان و بایستگی ها و شایستگی های انسان است.

2- آزادی اندیشه: تفکر درباره واقعیات مربوط به انسان و جهان ضرورت دارد. اندیشه باید در جهت حیات معقول به کار گرفته شود، نه سانسور خود. اندیشیدن درباره عالم طبیعت و ابعاد طبیعی انسان بدون هیچ قید و شرطی آزاد است، مگر در مواردی که نتایج آن به ضرر بشریت تمام می شود.

3- آزادی بیان و تبلیغ: این نوع آزادی باید معقول باشد. آزادی به صورت مطلق قابل پذیرش نیست. آزادی بیان آن هنگام اشکال پیدا می کند که اصول و ارزش های واقعی بشری را مختل سازد و مغزها را گمراه کند.

4- آزادی رفتار: آزادی رفتار را باید به 2 نوع آزادی رفتار معقول و رفتار نامعقول تقسیم کرد. اگر رفتار آدمی به هیچ اصل و

قانونی یا تمایلات طبیعی قانونی مستند نباشد، آزادی رفتار نامعقول خواهد بود.

5- آزادی سیاسی: این نوع آزادی بر پایه 2 اصل است؛ الف) هر کس اختیار خود را دارد. ب) هیچ کس بر دیگری سلطه و اختیار ندارد.

6- آزادی از هر گونه بردگی: این پدیده در دوران گذشته مطرح بود و متفکرانی چون افلاطون و ارسطو بردگی را یک قانون اجتماعی تلقی می کردند. پدیده بردگی در طول تاریخ موضوعی ریشه دار بوده است اما پیامبر اسلام (ص) با مبارزه تدریجی، آن را ریشه کن ساخت. جعفری با بیان روش های مبارزه پیامبر (ص) با بردگی از نحوه از میان بردن آن سخن می گوید. (6)

*** توجه به مقتضیات زمان

علامه جعفری همواره به نیازها، شرایط و مقتضیات زمان توجه می کرد. بدون اغراق باید گفت بیشتر آثاری که وی تالیف کرده، با هدف پاسخگویی به نیازهای فکری روز جامعه بوده است.

برای نمونه زمانی که تئوریسین های ماده گرا (ماتریالیست)، «نظریه جبر» را وسیله تبلیغ و ترویج افکار خود قرار می دادند، وی با بررسی همه جانبه ی مساله جبر از سوء استفاده ی بی مورد آنان جلوگیری کرد. چندین سال پس از آن نیز به موازات مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق بشر و انتقاد به نظام حقوقی اسلام، به همسنگی تطبیقی حقوق بشر اسلامی و غربی پرداخت و موارد نقص اصول حقوق بشر غربی را نمایان کرد و قوت های حقوق بشر اسلامی را روشن ساخت.

پی نوشت ها:

1- جعفری، محمد تقی، حیات معقول، نشر سیمای نور: 1360، ص38

2- جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، نشر علمی فرهنگی: 1373، ص137

3- جعفری، محمد تقی، عرفان اسلامی، نشر دانشگاه صنعتی شریف: 1371، ص13

4- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی: 1376، ج1، ص233

5- منبع پیشین، ج5، ص162

6- نصری، عبدالله، رویارویی با تجدد، نشر علم: 1386، صص504-502